



بازی - بازیگری

راهنمایی برای کارگاه‌های تئاتر

| لوک دیکسون | حمید هاشمی | مطالعات اجرا (۱) : بازیگری |

| PLAY-ACTING | Luke Dixon | Translated by Hamid Hashemi |

| فهرست مطالب |

مقدمه	بخش یک - بدن و صدا
۲۵	
۲۷	۱. پا (از مج به پایین)
۳۵	۲. ارتباط بین استخوان‌ها
۴۷	۳. ستون فقرات
۵۵	۴. راه رفتن
۶۱	۵. فضای تناتری
۶۷	۶. سفر زندگی
۷۳	۷. تناتر خدایان
۷۹	۸. بازی‌های زندگی
۸۷	۹. نفس
۹۷	۱۰. یکی دو کلمه
۱۰۳	۱۱. بازی چشم‌بندی
۱۰۷	۱۲. تابستان شکسپیر
۱۱۵	۱۳. متن
۱۲۱	۱۴. ریتم
۱۲۹	۱۵. طبل
۱۳۵	۱۶. بازی‌بینی

بخش دو - قلب و روح

مقدمه	
۱۴۱	
۱۴۳	۱۷. حواس و چاکراها
۱۵۳	۱۸. جعبه احساسات
۱۵۹	۱۹. یک، ۵۵ و بیشتر
۱۶۵	۲۰. اجرا
۱۷۳	۲۱. هزارتوی نمکین
۱۸۳	۲۲. وقت خواب
۱۹۱	۲۳. تغییر وضعیت
۱۹۷	۲۴. در آینه
۲۰۵	۲۵. تانگو
۲۱۳	۲۶. حیوانات و کهن‌الگوها
۲۱۹	۲۷. انسان‌های داخل کارت پستال
۲۲۵	۲۸. بازی با جنسیت
۲۳۱	۲۹. لباس
۲۳۷	۳۰. ابربیشم‌های جادویی
۲۴۱	۳۱. روزگاری
۲۴۷	۳۲. اجرا
۲۵۳	پایان بندی
۲۵۹	
۲۶۵	
۲۷۱	
۲۷۷	
۲۸۳	
۲۸۹	
۲۹۵	
۳۰۱	
۳۰۷	
۳۱۳	
۳۱۹	
۳۲۵	
۳۳۱	
۳۳۷	
۳۴۳	
۳۴۷	
۳۵۳	
۳۵۹	
۳۶۵	
۳۷۱	
۳۷۷	
۳۸۳	
۳۸۹	
۳۹۵	
۳۹۷	
۴۰۳	
۴۰۹	
۴۱۵	
۴۲۱	
۴۲۷	
۴۳۳	
۴۳۹	
۴۴۵	
۴۵۱	
۴۵۷	
۴۶۳	
۴۶۹	
۴۷۵	
۴۷۷	
۴۸۳	
۴۸۹	
۴۹۵	
۴۹۷	
۵۰۳	
۵۰۹	
۵۱۵	
۵۱۷	
۵۲۳	
۵۲۹	
۵۳۵	
۵۳۷	
۵۴۳	
۵۴۹	
۵۵۵	
۵۵۷	
۵۶۳	
۵۶۹	
۵۷۵	
۵۷۷	
۵۸۳	
۵۸۹	
۵۹۵	
۵۹۷	
۶۰۳	
۶۰۹	
۶۱۵	
۶۱۷	
۶۲۳	
۶۲۹	
۶۳۵	
۶۳۷	
۶۴۳	
۶۴۹	
۶۵۵	
۶۵۷	
۶۶۳	
۶۶۹	
۶۷۵	
۶۷۷	
۶۸۳	
۶۸۹	
۶۹۵	
۶۹۷	
۷۰۳	
۷۰۹	
۷۱۵	
۷۱۷	
۷۲۳	
۷۲۹	
۷۳۵	
۷۳۷	
۷۴۳	
۷۴۹	
۷۵۵	
۷۵۷	
۷۶۳	
۷۶۹	
۷۷۵	
۷۷۷	
۷۸۳	
۷۸۹	
۷۹۵	
۷۹۷	
۸۰۳	
۸۰۹	
۸۱۵	
۸۱۷	
۸۲۳	
۸۲۹	
۸۳۵	
۸۳۷	
۸۴۳	
۸۴۹	
۸۵۵	
۸۵۷	
۸۶۳	
۸۶۹	
۸۷۵	
۸۷۷	
۸۸۳	
۸۸۹	
۸۹۵	
۸۹۷	
۹۰۳	
۹۰۹	
۹۱۵	
۹۱۷	
۹۲۳	
۹۲۹	
۹۳۵	
۹۳۷	
۹۴۳	
۹۴۹	
۹۵۵	
۹۵۷	
۹۶۳	
۹۶۹	
۹۷۵	
۹۷۷	
۹۸۳	
۹۸۹	
۹۹۵	
۹۹۷	
۱۰۰۳	
۱۰۰۹	
۱۰۱۵	
۱۰۱۷	
۱۰۲۳	
۱۰۲۹	
۱۰۳۵	
۱۰۳۷	
۱۰۴۳	
۱۰۴۹	
۱۰۵۵	
۱۰۵۷	
۱۰۶۳	
۱۰۶۹	
۱۰۷۵	
۱۰۷۷	
۱۰۸۳	
۱۰۸۹	
۱۰۹۵	
۱۰۹۷	
۱۱۰۳	
۱۱۰۹	
۱۱۱۵	
۱۱۱۷	
۱۱۲۳	
۱۱۲۹	
۱۱۳۵	
۱۱۳۷	
۱۱۴۳	
۱۱۴۹	
۱۱۵۵	
۱۱۵۷	
۱۱۶۳	
۱۱۶۹	
۱۱۷۵	
۱۱۷۷	
۱۱۸۳	
۱۱۸۹	
۱۱۹۵	
۱۱۹۷	
۱۲۰۳	
۱۲۰۹	
۱۲۱۵	
۱۲۱۷	
۱۲۲۳	
۱۲۲۹	
۱۲۳۵	
۱۲۳۷	
۱۲۴۳	
۱۲۴۹	
۱۲۵۵	
۱۲۵۷	
۱۲۶۳	
۱۲۶۹	
۱۲۷۵	
۱۲۷۷	
۱۲۸۳	
۱۲۸۹	
۱۲۹۵	
۱۲۹۷	
۱۳۰۳	
۱۳۰۹	
۱۳۱۵	
۱۳۱۷	
۱۳۲۳	
۱۳۲۹	
۱۳۳۵	
۱۳۳۷	
۱۳۴۳	
۱۳۴۹	
۱۳۵۵	
۱۳۵۷	
۱۳۶۳	
۱۳۶۹	
۱۳۷۵	
۱۳۷۷	
۱۳۸۳	
۱۳۸۹	
۱۳۹۵	
۱۳۹۷	
۱۴۰۳	
۱۴۰۹	
۱۴۱۵	
۱۴۱۷	
۱۴۲۳	
۱۴۲۹	
۱۴۳۵	
۱۴۳۷	
۱۴۴۳	
۱۴۴۹	
۱۴۵۵	
۱۴۵۷	
۱۴۶۳	
۱۴۶۹	
۱۴۷۵	
۱۴۷۷	
۱۴۸۳	
۱۴۸۹	
۱۴۹۵	
۱۴۹۷	
۱۵۰۳	
۱۵۰۹	
۱۵۱۵	
۱۵۱۷	
۱۵۲۳	
۱۵۲۹	
۱۵۳۵	
۱۵۳۷	
۱۵۴۳	
۱۵۴۹	
۱۵۵۵	
۱۵۵۷	
۱۵۶۳	
۱۵۶۹	
۱۵۷۵	
۱۵۷۷	
۱۵۸۳	
۱۵۸۹	
۱۵۹۵	
۱۵۹۷	
۱۶۰۳	
۱۶۰۹	
۱۶۱۵	
۱۶۱۷	
۱۶۲۳	
۱۶۲۹	
۱۶۳۵	
۱۶۳۷	
۱۶۴۳	
۱۶۴۹	
۱۶۵۵	
۱۶۵۷	
۱۶۶۳	
۱۶۶۹	
۱۶۷۵	
۱۶۷۷	
۱۶۸۳	
۱۶۸۹	
۱۶۹۵	
۱۶۹۷	
۱۷۰۳	
۱۷۰۹	
۱۷۱۵	
۱۷۱۷	
۱۷۲۳	
۱۷۲۹	
۱۷۳۵	
۱۷۳۷	
۱۷۴۳	
۱۷۴۹	
۱۷۵۵	
۱۷۵۷	
۱۷۶۳	
۱۷۶۹	
۱۷۷۵	
۱۷۷۷	
۱۷۸۳	
۱۷۸۹	
۱۷۹۵	
۱۷۹۷	
۱۸۰۳	
۱۸۰۹	
۱۸۱۵	
۱۸۱۷	
۱۸۲۳	
۱۸۲۹	
۱۸۳۵	
۱۸۳۷	
۱۸۴۳	
۱۸۴۹	
۱۸۵۵	
۱۸۵۷	
۱۸۶۳	
۱۸۶۹	
۱۸۷۵	
۱۸۷۷	
۱۸۸۳	
۱۸۸۹	
۱۸۹۵	
۱۸۹۷	
۱۹۰۳	
۱۹۰۹	
۱۹۱۵	
۱۹۱۷	
۱۹۲۳	
۱۹۲۹	
۱۹۳۵	
۱۹۳۷	
۱۹۴۳	
۱۹۴۹	
۱۹۵۵	
۱۹۵۷	
۱۹۶۳	
۱۹۶۹	
۱۹۷۵	
۱۹۷۷	
۱۹۸۳	
۱۹۸۹	
۱۹۹۵	
۱۹۹۷	
۲۰۰۳	
۲۰۰۹	
۲۰۱۵	
۲۰۱۷	
۲۰۲۳	
۲۰۲۹	
۲۰۳۵	
۲۰۳۷	
۲۰۴۳	
۲۰۴۹	
۲۰۵۵	
۲۰۵۷	
۲۰۶۳	
۲۰۶۹	
۲۰۷۵	
۲۰۷۷	
۲۰۸۳	
۲۰۸۹	
۲۰۹۵	
۲۰۹۷	
۲۱۰۳	
۲۱۰۹	
۲۱۱۵	
۲۱۱۷	
۲۱۲۳	
۲۱۲۹	
۲۱۳۵	
۲۱۳۷	
۲۱۴۳	
۲۱۴۹	
۲۱۵۵	
۲۱۵۷	
۲۱۶۳	
۲۱۶۹	
۲۱۷۵	
۲۱۷۷	
۲۱۸۳	
۲۱۸۹	
۲۱۹۵	
۲۱۹۷	
۲۲۰۳	
۲۲۰۹	
۲۲۱۵	
۲۲۱۷	
۲۲۲۳	
۲۲۲۹	
۲۲۳۵	
۲۲۳۷	
۲۲۴۳	
۲۲۴۹	
۲۲۵۵	
۲۲۵۷	
۲۲۶۳	
۲۲۶۹	
۲۲۷۵	
۲۲۷۷	
۲۲۸۳	
۲۲۸۹	
۲۲۹۵	
۲۲۹۷	
۲۳۰۳	
۲۳۰۹	
۲۳۱۵	
۲۳۱۷	
۲۳۲۳	
۲۳۲۹	
۲۳۳۵	
۲۳۳۷	
۲۳۴۳	
۲۳۴۹	
۲۳۵۵	
۲۳۵۷	
۲۳۶۳	
۲۳۶۹	
۲۳۷۵	
۲۳۷۷	
۲۳۸۳	
۲۳۸۹	
۲۳۹۵	
۲۳۹۷	
۲۴۰۳	
۲۴۰۹	
۲۴۱۵	
۲۴۱۷	
۲۴۲۳	
۲۴۲۹	
۲۴۳۵	
۲۴۳۷	
۲۴۴۳	
۲۴۴۹	
۲۴۵۵	
۲۴۵۷	
۲۴۶۳	
۲۴۶۹	
۲۴۷۵	
۲۴۷۷	
۲۴۸۳	
۲۴۸۹	
۲۴۹۵	
۲۴۹۷	
۲۵۰۳	
۲۵۰۹	
۲۵۱۵	
۲۵۱۷	
۲۵۲۳	
۲۵۲۹	
۲۵۳۵	
۲۵۳۷	
۲۵۴۳	
۲۵۴۹	
۲۵۵۵	
۲۵۵۷	
۲۵۶۳	
۲۵۶۹	
۲۵۷۵	
۲۵۷۷	
۲۵۸۳	
۲۵۸۹	
۲۵۹۵	
۲۵۹۷	
۲۶۰۳	
۲۶۰۹	
۲۶۱۵	
۲۶۱۷	
۲۶۲۳	
۲۶۲۹	
۲۶۳۵	
۲۶۳۷	
۲۶۴۳	
۲۶۴۹	
۲۶۵۵	
۲۶۵۷	
۲۶۶۳	
۲۶۶۹	
۲۶۷۵	
۲۶۷۷	
۲۶۸۳	
۲۶۸۹	
۲۶۹۵	
۲۶۹۷	
۲۷۰۳	
۲۷۰۹	
۲۷۱۵	
۲۷۱۷	
۲۷۲۳	
۲۷۲۹	
۲۷۳۵	
۲۷۳۷	
۲۷۴۳	
۲۷۴۹	
۲۷۵۵	
۲۷۵۷	
۲۷۶۳	
۲۷۶۹	
۲۷۷۵	
۲۷۷۷	
۲۷۸۳	
۲۷۸۹	
۲۷۹۵	
۲۷۹۷	
۲۸۰۳	
۲۸۰۹	
۲۸۱۵	
۲۸۱۷	
۲۸۲۳	
۲۸۲۹	
۲۸۳۵	
۲۸۳۷	
۲۸۴۳	
۲۸۴۹	
۲۸۵۵	
۲۸۵۷	
۲۸۶۳	
۲۸۶۹	
۲۸۷۵	
۲۸۷۷	
۲۸۸۳	
۲۸۸۹	
۲۸۹۵	
۲۸۹۷	
۲۹۰۳	
۲۹۰۹	
۲۹۱۵	
۲۹۱۷	
۲۹۲۳	
۲۹۲۹	
۲۹۳۵	
۲۹۳۷	
۲۹۴۳	
۲۹۴۹	
۲۹۵۵	
۲۹۵۷	
۲۹۶۳	
۲۹۶۹	
۲۹۷۵	
۲۹۷۷	
۲۹۸۳	
۲۹۸۹	
۲۹۹۵	
۲۹۹۷	
۳۰۰۳	
۳۰۰۹	

که این روزها بسیار سرگرم کننده بود. از این‌جا پس همچنان می‌خواستم این روزها را در یک روز خوبی ممکن‌ترین شکل ممکن بازیگرانی که داشتم را در آن روزها بگذرانم. این روزها را می‌خواستم در یک روز خوبی ممکن‌ترین شکل ممکن بازیگرانی که داشتم را در آن روزها بگذرانم. این روزها را می‌خواستم در یک روز خوبی ممکن‌ترین شکل ممکن بازیگرانی که داشتم را در آن روزها بگذرانم. این روزها را می‌خواستم در یک روز خوبی ممکن‌ترین شکل ممکن بازیگرانی که داشتم را در آن روزها بگذرانم.

| مقدمه |

من و گروه کوچک بازیگرانی که همراه من بودند، در منطقه فیژنر در کنار صحرای وسیع کارواوات بسیار خوشی را گذراندیم. اجرایی دیدیم که تقریباً یک ساعت طول کشید و بسیار سرگرم کننده بود. گروه ما شامل پنج بازیگر از پنج کشور مختلف اروپا می‌شد (نروژ، آلمان، فرانسه، انگلیس و ایتالیا) و من که به عنوان کارگردان از انگلیس رفته بودم. نخستین بار بود که به افریقا می‌رفتیم. بعد از اینکه نظر مثبت مان را در مورد چیزی که دیده بودیم بیان کردیم، مدیر هنری منطقه از ما خواست برای کمک به پیشرفت مهارت‌های اجرایی در منطقه، یک کارگاه تئاتر برای کل مردم روستا برگزار نماییم. این‌گونه بود که زیرتیغ آفتاب، روی علف‌های گزنه، کارمان را آغاز کردیم. عده کمی از مردم منطقه انگلیسی بلد بودند (چه برسد به نروژی، فرانسوی، آلمانی یا ایتالیایی) و آموزش‌ها باید به زبان خوسایی که زبان مردم این منطقه بود ترجمه می‌شد. به این دلیل تصمیم گرفتیم آموزه‌هایمان را تا جایی که می‌شود بدون کلام برگزار کنیم و نداشتن یک زبان مشترک به جای نقطه ضعف به نقطه قوت ما تبدیل بشود. ابتدا یک بازی کودکانه کردیم که «قدم مادر بزرگ» نام داشت و ما تا آن زمان به صد روش آن را انجام داده بودیم. توضیح مفصل این بازی در جریان تمرین‌ها می‌آید. این بازی یکی از بهترین راه‌های برقراری ارتباط بین فرهنگی است. ما به هر جا که سفر کردیم – از کوه‌های راکی در کانادا تا جلگه‌های سیبری – دیدیم

این بازی را انجام می‌دهند. بازیگر فرانسوی ما، ژان پانی¹ مادربریزگ می‌شد و وقتی پشتش را می‌کرد، کل اعضای آن روستای افریقایی به سمت او نزدیک می‌شدند. هر وقت رویش را برمی‌گرداند، باید همه کاملًا توقف می‌کردند و اگر کسی در حال حرکت بود باید به ابتدای مسیر حرکت باز می‌گشت. همه اسم یکدیگر را در میان امواج قهقهه یاد گرفتند و دست آخریکی از مردم روستا بدون اینکه بسوزد توانست به پشت ژان دست بزند. سپس همین بازی را به صورت رقابتی انجام دادیم و پشت هر یکی از بازیگران اروپایی ده پانزده نفر از مردم روستا قرار گرفتند و توانستند راهبردها و نشانه‌هایی برای بازی شان ایجاد کنند. هر گروه به شیوهٔ مخصوص خود بازی می‌کرد و این کار را این قدر ادامه دادیم تا همه از خنده ضعف کردن.

سپس پائولا کاوالین² بازی کاملًا متفاوتی از بازی‌های اروپایی را به گروه یاد داد. این خانم که درونیز متولد شده و درس خوانده است، از طرفداران پُرشور کمدهی دلارته در اینالیاست. اعضای روستا و بازیگران، دایره‌ای بزرگ تشکیل دادند و او با استفاده از حرکات، صداها و حالات سه شخصیت کهن‌الگویی دلاته – که پاتلونه محبوب ترین آن‌هاست – کسانی را انتخاب می‌کرد. ما باید با دقیقت بسیار، جزئیات فیزیکی هر کدام از شخصیت‌ها را یاد می‌گرفتیم و به سمت مرکز دایره حرکت می‌کردیم و سپس به سوی جای اولمان برمی‌گشتم. با اطلاعاتی که از میزبانمان گرفتیم، نقش پلیس و رؤسای قبایل را بازی کردیم. توجه افراد به جزئیات کاربدنی خیره‌کننده بود. سپس براساس تمرین‌هایی که کرده بودیم، شخصیت مورد نظرمان را آماده کردیم و دورتا دور روستا آن را نمایش دادیم. به این ترتیب وقتی تیغ آفتتاب از آن سپهر افریقایی بر علف خشک سرزمین دور دست فیچز کرتر می‌تایید، شصت پاتلونه افریقایی مخاطبین خود را به ش忿 و خنده واداشتند.

طرف یک ساعت تبدیل به گروه بازیگرانی شده بودیم که همه از بازی‌هایی که می‌کردیم لذت می‌بردیم، حالت فیزیکی بازی را کشف کرده بودیم، شخصیت ساخته بودیم و اجرایی شکل داده بودیم.

1. Jean Pagni
2. Paola Cavallin